

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی

(مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد)

مهناز فرهمند^۱ - کاوه شکوهی فر^۲ - حامد سیارخلج^۳

چکیده:

نگاهی گذرا بر وضعیت محیط زیست در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که فعالیت‌های انسانی مؤثرترین و مهمترین علل تغییرات زیست‌محیطی است که ضمن ایجاد تغییرات مفید و مناسب موجبات تخریب بسیاری را فراهم آورده است. در این تحقیق با استفاده از نظریات فردگرایی و رضایت از زندگی، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان شهر یزد پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان شهر یزد بوده است که به صورت تصادفی خوشه‌ای با استفاده از فرمول کوکران، ۳۲۳ نفر انتخاب شده‌اند. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی، رضایت از زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ همچنین بین زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده‌ی کلی متغیرهای باقی‌مانده در معادله‌ی رگرسیون با هم‌دیگر ۲۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تعیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: رفتارهای زیست‌محیطی، فردگرایی، رضایت از زندگی، آگاهی زیست‌محیطی.



farahmandm@yazd.ac.ir

kshokohifar@yahoo.com

sayarkhalaj1368@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۳

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

^۳ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

تاریخ وصول: ۹۲/۶/۵

مقدمه و بیان مسأله:

محققان زیست‌محیطی معتقدند که امروزه بحرانهای زیست‌محیطی به طرز نگران‌کننده‌ای زندگی انسان را تهدید کرده، تا حدی که حیات انسان و دیگر موجودات را در کره خاکی به مخاطره انداخته است. برخی از تهدیدات و بحران‌های زیست‌محیطی نظیر تغییرات آب و هوا، نازک شدن لایه‌ی اوزن، جنگل‌زدایی، بحران غذا (بنتون و ردکلیف، ۱۹۹۴: ۱) ازدیاد جمعیت، بالا رفتن سطح زندگی و افزایش تقاضای مردم، پیشرفت تکنولوژی، استفاده‌ی بهره‌جویانه و غیراصولی از محیط طبیعی توسط سرمایه‌داران (کامونر، ۱۳۸۲: ۱۰-۳)، کنش‌های غیر مسؤولانه‌ی انسان (صالحی، ۲۰۱۰: ۲۵)، افکار عمومی را به طرز نگران‌کننده‌ای به خود معطوف کرده و حساسیت شدیدی نسبت به محیط زیست در سطح جهانی به وجود آورده است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱). محیط زیست عبارت است از دنیای طبیعی به عنوان یک کلیت یا مکان جغرافیایی خاص که انسان، جانوران و گیاهان در آن زندگی می‌کنند (دیکشنری آکسفورد، ۲۰۱۱). بر این اساس و از آن رو که بقای انسان به آگاهی و شناخت محیطش وابسته بوده است، رابطه‌ی انسان با طبیعت و اندیشیدن به محیط زیست به قدمت تاریخ زندگی بشر در روی کره زمین می‌رسد. محیط زیست در شکل‌گیری و پرورش انسانها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا رشد و نمو طبیعی انسان بدون محرک‌های زیست‌محیطی صورت نمی‌گیرد (بوتکین، ۱۳۸۲). در جامعه‌ی تکنولوژیک امروزی محیط زیست تمام چیزهایی است که در زندگی روزمره به آن نیاز داریم: از یک سو شهر و کانون‌های انسان‌ساخت، طبیعت و پهنه‌های تشکیل دهنده‌ی آن مانند زمین، کوهستان، جنگل، دریا و بیابان و از سوی دیگر عوامل اقلیمی نظیر آب، هوا، باد، نور، و حرارت خورشید (مثنوی، ۱۳۹۰: ۵۹).

اجتماعی بودن انسان ایجاب می‌کند همواره دارای کنش متقابل با هم‌نوعان خود باشد، کنش و رفتاری که به ناچار می‌باید در یک بستر و محیط مشترک شکل گیرد. از این رو تک‌تک افراد جامعه، چه به شکل فردی چه به صورت جمعی با محیط اطراف خود تعامل دارند، اما مدتهاست انسان با نام پیشرفت به دست تکنولوژی تعامل میان خود و طبیعت را به تعارض تبدیل کرده است (شاهنوشی، ۱۳۸۶: ۱۷). این تعارض سبب به وجود آمدن بحران‌های زیست‌محیطی شده است که به آلوده شدن محیط شهرها و افزایش انواع سرطان‌ها، تخریب و نابودی منابع و ذخایر طبیعی و تغییرات اقلیمی را موجب می‌گردد. مواد شیمیایی حاصل از کارخانه‌های صنعتی، یا فاضلابهای شهری به درون منابع آب و نفوذ به سفره‌ی آب‌های زیرزمینی صورت می‌گیرد. آلودگی‌های آب توسط مواد شیمیایی چون انواع داروها، مواد شوینده و مواد سمی و سرطان‌زا تشدید شده و مستقیماً موجب مرگ بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی می‌شود. آلودگی ناشی از پساب‌ها و فاضلاب صنعتی کارخانجات شامل فلزات سنگین چون جیوه، آرسنیک، سرب و روی، طی زنجیره‌های غذایی انباشته می‌شود و جان بسیاری از جانوران و نیز انسانها را تهدید می‌کند. از سوی دیگر اثرات فعالیت‌های انسان بر خاک از طریق تخلیه یا دفن زباله‌ها، نخاله‌های ساختمانی و پسماندهای خطرناک و سمی در اراضی دفن زباله و دشتهای پیرامون شهری منجر به مسمومیت خاک و فرسایش آن شده است. افزون بر اینها، کیفیت هوا توسط گازهای شیمیایی سمی که غالباً حاصل واکنش‌های سوختن است، دستخوش آلودگی جدی شده و در نتیجه انتشار ناشی از آگروز خودروها و وسایل حمل و نقل شهری و ماشین-آلات و تجهیزات صنعتی به صورت دی‌اکسید گوگرد، اکسیدهای ازت، مونوکسید کربن و بعضی گازهای گلخانه‌ای

و نیز گرد و غبار و ذرات معلق در هوا، که در اثر فعالیت‌های صنعتی وارد هوا می‌شوند، مورد تهدیدهای جدی قرار گرفته که اولین پیامد آن تشدید اثرات نامطلوب بر سلامتی انسان و عناصر محیط زیست است (مثنوی، ۱۳۹۰: ۶۰).

هیچ کس نمی‌تواند این ادعا را مطرح کند که پیدایش مواد آلوده‌کننده بر روی کره‌ی خاکی ما نتیجه‌ی برخی دگرگونی‌ها طبیعی و مستقل از اراده‌ی انسان است. اشتباهاتی که در افکار، نگرش و رفتارهای انسان در نتیجه‌ی فعالیت‌هایش بر روی کره زمین به وجود آمده، یکی از علت‌های اصلی خساراتی است که محیط زیست متحمل آن گردیده است (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱: ۹۶). نگاهی گذرا بر وضعیت محیط زیست در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که فعالیت‌های انسانی مؤثرترین و مهمترین علل تغییرات زیست‌محیطی است که ضمن ایجاد تغییرات مفید و مناسب موجبات تخریب را فراهم می‌آورد (پناهنده و عابدین‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۸). به اعتقاد بارو، استفاده‌ی بی‌رویه از انرژی در منازل، استفاده از تولیدات یکبار مصرف، استفاده از وسایل نقلیه‌ی شخصی، استفاده از انواع آفت‌کش‌ها، دفع مواد زائد به روش غیربهداشتی، جمع‌آوری و تفکیک نکردن زباله به منظور بازیافت و بسیاری از رفتارهای مخرب زیست‌محیطی دیگر همگی در نتیجه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی انسان است (بارو، ۱۳۸۰). رفتار زیست‌محیطی، رفتاری است که فرد در برخورد با محیط‌زیست از خود بروز می‌دهد. افراد هر اجتماعی بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی خود برخورد متفاوتی نسبت به محیط زیست دارند (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹)؛ این رفتارها ممکن است کاملاً مثبت، محیط‌گرایانه و مسؤولانه باشد؛ یا برعکس، کاملاً منفی و مخالف محیط زیست. منظور از رفتار محیط‌گرایانه، رفتاری است که آگاهانه به دنبال کاهش اثر منفی کنش فرد بر جهان طبیعی و ساخته‌شده به دست انسان (از جمله کاهش مصرف انرژی و منابع، استفاده از مواد غیرسمی، کاهش تولید مواد زائد) باشد. رفتارهای زیست‌محیطی مسؤولانه مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود (کولماس و آگین، ۲۰۰۲). بحران محیط زیست در عصر حاضر ناشی از فقدان دانش و نیز فقدان آگاهی بشر در مدیریت پایدار محیط زیست است (مولیادی، ۲۰۱۰). در قرن حاضر، رفتارهای زیست‌محیطی انسان، به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط‌زیست، مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان محیط‌زیستی قرار گرفته است. رفتارهای زیست‌محیطی ضمن اینکه بر بیشتر مسائل و تهدیدات زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارند، خود نیز از عواملی تأثیر می‌پذیرند. مطالعات ذکاوت (۱۹۷۷)، دانلاپ و ون‌لیر (۱۹۷۸)، دانلاپ و همکاران (۲۰۰۰)، باتل (۱۹۷۹)، شان و همکاران (۱۹۹۰)، استرن و همکاران (۱۹۹۳)، فیالو و همکاران (۱۹۹۴)، گرافتون و همکاران (۲۰۰۳)، پری‌زنگنه و لاکان (۱۳۸۹) و صالحی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که آگاهی زیست‌محیطی و شناخت مسائل زیست‌محیطی متغیر مؤثری بر رفتارهای زیست‌محیطی است. محققان مذکور بر این باورند که افزایش آگاهی عمومی زیست‌محیطی می‌تواند مسائل و مشکلات زیست‌محیطی را کاهش دهد و منجر به رفتارهای مسؤولانه در برابر محیط زیست شود (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱).

اگرچه امروزه بسیاری از مردم خود را طرفدار محیط‌زیست می‌دانند، اما براساس نگرش‌های مثبت در جهت حفظ محیط‌زیست کاری انجام نمی‌دهد (تامسون و برتون، ۱۹۹۴). نوردلاندر و گاوریل (۲۰۰۲) اظهار می‌کنند دلیل احتمالی این امر این است که فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که میان منافع شخصی کوتاه‌مدت و منافع جمعی بلندمدت تعارض پیش می‌آید؛ بنابراین به نظر می‌رسد فردگرایی یکی از متغیرهایی است که بر رفتارهای زیست-

محیطی مسئولانه افراد تأثیرگذار است؛ به این صورت که هرچه فردگرایی در افراد بیشتر باشد. رفتارهای زیست-محیطی مسئولانه‌ی آنها نسبت به محیط زیست کاهش می‌یابد و برعکس.

رضایت از زندگی زمینه‌ساز تسری رضایت به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و برعکس کاهش رضایت از زندگی، آثار فراوانی در سطح خرد، میانه و کلان خواهد داشت. افزایش تنشها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، افسردگی و ... از جمله آثار منفی نارضایتی از زندگی در سطح خرد است که در سطح میانه و کلان نیز پیامدهایی چون کاهش روحیه‌ی مشارکت‌جویی، تعاون، اعتمادکنندگی، عام‌گرایی و ... خواهد داشت (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۳: ۸۶). بنابراین رضایت از زندگی می‌تواند رفتار مثبت نسبت به محیط زیست را تقویت نماید و عدم رضایت از زندگی و احساس ناکامی در زندگی، می‌تواند سبب رفتارهای منفی و پرخاشگرانه نسبت به محیط‌زیست گردد. آلودگی هوا و آب، کمبود مراتع و جنگل برای توسعه‌ی شهر و حومه‌ی آن از جهت تطبیق با رشد سریع جمعیت، فرسایش خاک، آلودگی سواحل و خسارت به جنگل‌های سرسبز توسط باران‌های اسیدی، مسائل زیست‌محیطی محلی به شمار نمی‌آیند. امروزه، حوادث زیست‌محیطی محلی و منطقه‌ای، اهمیتی جهانی پیدا کرده‌اند (ذکاوت، ۱۹۷۷). آلودگی هوای شهرهای صنعتی ایران، آتش گرفتن جنگل‌های استان گلستان، استان مازندران و شهرستان مریوان از توابع استان کردستان و سرازیر شدن شیرابه‌ی زباله‌ها به داخل رودخانه‌ها، پساب فاضلاب‌های صنعتی، ریختن زباله‌ها در معابر عمومی، پارک‌های جنگلی و پارک‌های سطح شهرها، مصرف بیش از حد برق، آب، گاز (در ساعات پرمصرف) و غیره، از جمله مشکلات و مسائل زیست‌محیطی در ایران هستند (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱).

از جمله دغدغه‌های همیشگی ربع قرن گذشته در بیشتر کشورهای درحال توسعه تعامل توسعه و محیط زیست و پایداری توسعه در عرصه‌های مختلف بوده است. در همین راستا در دهه‌های پایانی قرن بیستم، روش‌های جلب مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی و مدیریت محیط زیست، تحت دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است. روند دهه‌های گذشته در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی بیانگر این واقعیت است که کارگزاران دولتی، کارشناسان و نیز مدیران عرصه‌های محیط زیست و منابع طبیعی به رهیافتی تازه روی آورده‌اند (خاتون‌آبادی، ۲۰۰۴). در این رهیافت تازه، به انسان و رفتارهای او به عنوان یکی از عناصر و عوامل اصلی حافظ منافع زیست‌محیطی و عامل تقویت کیفیت محیط زیست توجه خاص مبذول گردید (کریم‌زادگان، ۱۳۸۲). درهرجامعه‌ای افراد تحت تأثیر شرایط اجتماعی- فرهنگی آن جامعه، رفتارهای مشخصی درباره‌ی محیط زیست از خود بروز می‌دهند، که این رفتارها اشکال متنوعی به خود می‌گیرد. این تنوع رفتار نسبت به محیط زیست تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگونی است. براین اساس لازم است در پژوهش‌های مختلف به بررسی این عوامل و متغیرها بر رفتارهای زیست محیطی افراد پرداخته شود.

محققان جامعه‌شناسی زیست‌محیطی از جمله ذکاوت (۱۹۷۷)، دانلاپ و ون‌لیر (۱۹۷۸)، دانلاپ و همکاران (۲۰۰۰)، باتل (۱۹۷۹)، شان و همکاران (۱۹۹۰)، استرن و همکاران (۱۹۹۳)، فیالو و همکاران (۱۹۹۴)، گرافتون و همکاران (۲۰۰۳)، پری زنگنه و لاکان (۱۳۸۹) و صالحی (۲۰۰۸)، آیودیجی (۲۰۱۰)، به مطالعه‌ی عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی نظیر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد زیست‌محیطی ملت‌ها، آگاهی

زیست‌محیطی و عقیده‌ی دینی، پرداخته‌اند (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱). اما میزان فردگرایی و میزان رضایت از زندگی افراد که احتمالاً می‌تواند بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد تأثیرگذار باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در نتیجه موضوع پژوهش حاضر در ایران موضوعی تازه است. همچنین این پژوهش با توجه به اهمیتی که محققان از جمله بوردن و استینکو (۱۹۷۹)، هاینز و همکاران (۱۹۷۶)، اسکان و هولزر (۱۹۹۰)، آربونت و همکاران (۱۹۷۶)، بکر (۱۹۷۸) و کاتزر و جانسون (به نقل از گراب، ۱۹۹۵: ۳)، به میزان آگاهی و دانش زیست‌محیطی افراد در شکل دادن رفتارهای زیست‌محیطی آنها می‌دهند، به بررسی تأثیر میزان آگاهی زیست‌محیطی بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد می‌پردازد.

استان یزد در بخش بیابانی ناحیه‌ی مرکزی ایران قرار دارد. در دهه‌های اخیر عدم توجه به اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های مختلف صنعتی، خدماتی و تولیدی از جمله مهمترین عوامل تهدیدکننده‌ی محیط زیست انسانی و طبیعی در استان بوده است. اکنون ورود فاضلاب‌های خانگی، پساب‌های صنعتی، سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی، مواد زاید جامد و آلاینده‌های میکروبی و شیمیایی به منابع خاک و آبهای زیرزمینی از مهمترین عوامل تهدید محیط استان به شمار می‌آیند. آلودگی هوای استان یزد نیز یکی از مشکلات و معضلاتی خواهد بود که در آینده گریبان‌گیر این استان خواهد شد. توسعه‌ی بی‌رویه شهر و جمعیت آن توسعه‌ی فعالیت‌های صنعتی، رشد تعداد خودروها، استفاده از سوخت‌های فسیلی در مصارف خانگی، صنعتی و کشاورزی و... از مهمترین تهدیدات در این بخش به شمار می‌آیند (ذاکریان و همکاران ۱۳۹۲). بر اساس گزارش نهادهای رسمی در یزد، این استان به شدت تحت تأثیر آلودگی هوا و پیامدهای ناشی از هجوم توفان‌های شنی و ریزگردها به عنوان یک آلاینده‌ی طبیعی قرار دارد. این موضوع از جمله معضلات زیست‌محیطی منطقه است که سلامت مهریزی‌ها، یزدی‌ها، اشکذری‌ها، زارچی‌ها، رضوان‌شهری‌ها، میدی‌ها، اردکانی‌ها و نیز ساکنان روستاهایی را که در مسیر محور مهریز- یزد- اردکان در استان قرار دارد، تهدید می‌کند. مهمترین دلیل آلودگی هوای شهرهای واقع در محور مهریز- یزد- اردکان بویژه یزد، علاوه بر شرایط آب و هوایی و جغرافیایی منطقه، فقر پوشش گیاهی، کمبود فضای سبز، استفاده از سوخت‌های فسیلی، قرار داشتن در مسیر کریدور شمال- جنوب و کریدور شرق به غرب کشور پهناور ایران است. تردد زیاد خودروها در این دشت و استقرار صنایعی که عمدتاً شامل کوره‌های آجرپزی، کاشی و سرامیک، فولادسازی، گندله‌سازی، نساجی، کارخانه‌های گچ و... است، باعث شده تا شهرهای یاد شده بویژه یزد با مقدار بالای آلاینده‌های هوا روبه‌رو باشد. تنها نتایج ایستگاه اندازه‌گیری آلاینده‌ی هوا در یزد مؤید این مدعاست، طوری که فقط نتایج به دست آمده از این ایستگاه حاکی است که در سال ۹۱ از روزهایی که سنجش صورت گرفته، ۱۱ روز و در هشت ماهه سال ۹۲، ۲۶ روز هوای شهر یزد در شرایط ناسالم و یا خطرناک قرار داشته است. در حال حاضر مقدار بالای آلاینده‌های منتشره از منابع ثابت (صنایع، کوره‌های آجرپزی و...) و خودروها در استان علاوه بر آثار بسیار مضر که برای محیط زیست، پوشش گیاهی، آثار تاریخی و... دارد، به شدت سلامتی مردمان این دیار را با خطر روبه‌رو ساخته است، طوری که عامل اصلی مرگ و میر بیماران قلبی و عروقی، تنفسی و سرطان‌ها در استان، آلودگی هواست. همچنین ریختن زباله‌ها در سطح شهرها و مناطق طبیعی، قطع و صدمه زدن به درختان، تخریب و آسیب‌رسانی به اماکن و ابنیه‌ی تاریخی، شکار بی‌رویه‌ی حیوانات بومی منطقه و... توسط شهروندان از دیگر معضلات زیست‌محیطی است که استان با آن مواجه است. همه‌ی مواردی که بیان گردید جزء مهمترین مشکلات و مسائل

زیست‌محیطی در استان و بخصوص شهرستان یزد که مرکز استان و پرجمعیت‌ترین شهرستان است، می‌باشند و وجود این مسائل و مشکلات حاکی از اهمیت انجام مطالعات زیست‌محیطی در این منطقه است. باتوجه به مطالب فوق این سؤالات مطرح می‌شود که وضعیت رفتارهای زیست‌محیطی در شهرستان یزد چگونه است؟ و چه رابطه‌ای میان میزان آگاهی زیست‌محیطی و رضایت از زندگی و میزان فردگرایی شهروندان یزد با رفتارهای زیست‌محیطی آنها وجود دارد؟

مبانی نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم نظریه‌های محیط‌زیست، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی و رضایت از زندگی به عنوان متغیرهای مستقل این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس چارچوب نظری تدوین می‌گردد.

محیط زیست

گیدنز به موضوعات زیستی محیط و جایگاه طبیعت در نظریه‌ی اجتماعی خود توجه زیادی نشان داده است. توجه او به محیط زیست در نظریه‌ی جهانی‌شدن او مشهود است. به بیان او در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست‌بومی چندان جایی ندارند. صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناکتر آفرید؛ به طوری که دگرگونی زیست‌محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس بر روی کره زمین از تأثیر آن برکنار نیست (بری، ۱۳۸۱:۱۲۱).

گیدنز سیاست‌های زیست‌محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های زیست‌محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آن را می‌پسندد، آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهری از بین رفته‌اند. «یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است. زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند» (بری، ۱۳۸۱:۱۲۴).

اولریش بک (۱۹۹۵ و ۱۹۹۴) استدلال می‌کند که توسعه‌ی عقلانیت علمی و پیشرفت اقتصادی، مخاطرات زیست‌بومی فراوانی را از آلودگی دریاها تا مسمومیت انسان‌ها در پی داشته است. دیگر نمی‌توان این مخاطرات را آثار جانبی صنعتی شدن دانست و بر آن‌ها چشم پوشید؛ بلکه به صورت مفاهیمی اصلی در تعریف جامعه از سال‌های پایان قرن بیستم درآمده‌اند. جامعه‌ی مخاطره‌آمیز شامل دو مرحله است: مرحله‌ی نخست، آنجاست که با خطرات آشکار خود- ویرانگری از طریق نهادهای حقوقی و سیاسی جامعه صنعتی برخورد می‌شود. این برخوردها می‌تواند شامل استفاده از کارشناسی‌های علمی و این باور باشد که می‌توان به کمک قوانین و سیاست‌های اجرایی جدید با آلودگی برخورد کرد، و همچنین این فکر باشد که مسائل زیست‌بومی می‌تواند پس از مسأله‌ی توزیع اقتصادی در مرتبه‌ی دوم قرار گیرد. در جامعه مخاطره‌آمیز فعلی [مرحله‌ی دوم تجددخواهی]، هیچ کدام از این جنبه‌ها و ادعاها نمی‌توانند کارساز باشند. با شکل‌گیری جامعه‌ی پسااستتی مبانی خانواده، جنسیت، شغل و باور به علم و پیشرفت اقتصادی از پایه سست شده‌اند؛ بنابراین، «تجددخواهی دوم» به شیوه‌ای فرایند آن قلمروهایی از تجربه‌ی اجتماعی را بازاندیشانه به چالش می‌کشد که جهان بینی عصر روشنگری هرگز نتوانست به آن پردازد. ما اکنون درباره‌ی خطاپذیری نظر کارشناسی، «نامرئی» بودن تخریب طبیعت، و محاسبه‌ناپذیر بودن خطرات محیطی آگاه شده‌ایم.

بک این مسائل را با عنوان «نوگرایی بازتابنده» گرد می‌آورد و آن را با این اندیشه مقایسه می‌کند که تجددخواهی بازاندیشانه‌تر شده است. صورت ساده‌ی نظریه‌ی بازاندیشی گویای آن است که نوسازی جامعه، توانایی سوژه را افزایش داده تا درباره‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، چرایی را مطرح نمایند. این خوشبینی ریشه در عصر روشنگری دارد (که هرچه علم، حوزه‌ی عمومی و مهارت کارشناسی خود-انتقادی بالا می‌رود)، و چنین دیدگاهی با این دید بدبینانه که اینگونه پیشرفت‌ها زمینه‌ی سلطه و کنترل را بیش‌تر فراهم می‌کند، مخالف است. اما نظریه‌ی نوسازی [یا نوگرایی] بازتابنده، ممکن است به بازاندیشی درباره‌ی نیروهایی منجر شود که تجددخواهی را به سوی خودتباهی تهدید می‌کنند، البته چنین پایانی حتمی نیست. به همین دلیل است که به عقیده‌ی بک این نظریه‌ی پیشرفت یا پسرفت نیست، بلکه نظریه‌ای است که با توجه به «بحران‌های نهادی ژرف در جامعه‌ی جدید صنعتی»، بر دوگانگی [یا دوراهی] تجددخواهی اشاره دارد (بک، ۱۹۹۴: ۱۷۸).

آگاهی زیست‌محیطی

طی ۳۰ سال اخیر، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که به واسطه‌ی درک پیامدهای بلندمدت موضوعات زیست‌محیطی در زندگی انسان‌ها، اهمیت بحث در این مورد رو به فزونی گذاشت (باداک، ۲۰۰۵: ۲). به تدریج و با افزایش هزینه‌های بالای اجتماعی و اقتصادی ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی، اجتماعات و مقامات را برانگیخت تا چاره‌ای برای آن بیندیشند. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه بود. بسیاری از گروه‌های زیست‌محیطی تلاش سختی را برای بالا بردن دانش و آگاهی عمومی آغاز کرده بودند (باداک، ۲۰۰۵: ۲)، اما این تغییر رفتار به خودی خود صورت نخواهد پذیرفت و نیاز به پیش‌شرط‌هایی دارد؛ بدین منظور، دانش عموماً پیش‌شرط لازم برای رفتار به حساب می‌آید (صالحی و کریم زاده، ۱۳۹۰). مالونی و وارد (۱۹۷۳) و فیتکا (۱۹۹۴) معتقدند که هر چه افراد نسبت به محیط - زیست آگاه‌تر باشند، احتمال اینکه رفتار همسوتری با آن داشته باشند، بیشتر می‌شود (به نقل از گراب، ۱۹۹۵: ۲). یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در مطالعات محیط زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را می‌توان با افزایش آگاهی عمومی در مورد محیط زیست برطرف کرد (صالحی، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، اعتقاد بر این است که آگاهی زیست‌محیطی کلید حل بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی است (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱). گراب معتقد است که هرچه افراد بیشتر در مورد محیط زیست بدانند، رفتارهای محافظتی بیشتری نسبت به آن از خود نشان می‌دهند (گراب، ۱۹۹۵). فریتيوف (۱۳۸۶) معتقد است که تحصیل آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه رسیدن به پایداری است و اساساً شرط بقای آینده‌ی بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط زیست و زندگی کردن برپایه‌ی آنهاست (فریتيوف، ۱۳۸۶: ۴-۲۸۳). ضرورت تحصیل آگاهی زیست‌محیطی از آنجا نشأت می‌گیرد که به زعم فریتيوف، خلق جوامع پایدار چالش بزرگ عصر ماست (فریتيوف، ۱۳۸۶: ۲۸۲). در این زمینه یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن و بالطبع حرکت به سوی پایداری، تغییر رفتار انسان به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه است (کوئیم بیتا، ۲۰۰۵: ۱). اما این تغییر رفتار به خودی خود صورت نخواهد پذیرفت و نیاز به پیش‌شرط‌هایی دارد؛ بدین منظور آگاهی عموماً پیش‌شرط لازم برای رفتار افراد به حساب می‌آید (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتیجه

گرفت که میزان آگاهی زیست‌محیطی افراد می‌تواند یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتارهای زیست‌محیطی آنها باشد.

فردگرایی

در جامعه‌شناسی، فردگرایی نظریه‌ای است که بر پایه‌ی آن تمامی هستی اجتماعی در پیچیده‌ترین اشکالش با عمل آگاهانه و معطوف به هدف افراد و از طریق مناسبات انسان‌ها و روابط و واکنش‌های آنها شکل می‌پذیرد (موسوی و پاک‌خصال، ۱۳۹۱). در حوزه‌ی اجتماعی برخی مانند تونیس و رایزمن به بعد منفی یا فردگرایی منفی آن توجه داشته‌اند و برخی دیگر مانند دورکیم، توکویل، مرتن ابعاد مثبت فردگرایی یا فردگرایی مثبت و ابعاد منفی آن را به نحو توأمان مورد توجه قرار داده‌اند. فردگرایی مثبت معمولاً یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی تلقی می‌گردد و معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتمادبه‌نفس، استقلال فردی است که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند؛ در حالی که فردگرایی منفی معطوف به خودمداری، منیت، کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا می‌باشد (تریان‌دیس، ۱۹۹۸). ابهام مفهومی فردگرایی باعث ظهور مناقشات و سوء برداشت‌های متفاوتی شده است. به طور کلی، می‌توان برای فردگرایی دو سویه‌ی مثبت و منفی در نظر گرفت، سویه‌ی مثبت آن با واژگانی نظیر خوداتکایی، خود مرجع، مسؤلیت‌پذیری مترادف است و تجلی آن را می‌توان در فردگرایی اخلاقی دورکیم و فردگرایی نهادی‌شده پارسونز یافت. سویه‌ی منفی آن با واژگانی نظیر انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی مترادف است و تجلی آن در فردگرایی خودخواهانه‌ای یافت می‌شود که اساس مخل نظم و توسعه‌ی اجتماعی است (وثوقی و میزایی، ۱۳۸۷ - جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). از طرفی فردگرایی در کنار جمع‌گرایی خود به انواع افقی و عمودی تقسیم می‌شود. جمع‌گرایی عمودی بر ضرورت وجود یک هرم ساخت‌یافته‌ی قدرت و تقدم جمع بر فرد تأکید دارد. در جمع‌گرایی افقی بر هویت جمعی و هماهنگی گروهی همراه با تساوی و برابری اعضا تأکید می‌شود. در فردگرایی عمودی رقابت بین فردی و تلاش برای دستیابی به جایگاه بالاتر در هرم قدرت تشویق می‌شود و بالاخره فردگرایی افقی بر استقلال فردی، خودشکوفایی، تساهل و احترام به حریم خصوصی ارج می‌گذارد (تریان‌دیس، ۱۹۹۸؛ اسدی و اعتصام، ۱۳۸۵). در دوران جدید و فرآیند مدرنیزاسیون تحولات در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به رشد فردگرایی میان افراد منجر شده است؛ بدین معنا که افراد به خویش‌بینی و ارضای نیازها به عنوان یک هدف شخصی تمایل دارند. علائق و تمایلات فردی به مراتب مهم‌تر از تعهدات سنتی است (معیدفرو صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹). گیدنز معتقد است که بازاندیشی ویژگی هر نوع کنش انسانی است و در برگیرنده‌ی این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته باید مورد بازسنجی قرار بگیرند و در پرتو اطلاعات تازه بازتولید شوند. این پالایش عادت‌وارانه پیوسته و در همه‌ی جریانهای کنش روزانه جریان دارد. به نظر وی انتخاب یکی از مؤلفه‌های فردگرایی است که به دلیل عدم وجود باورهای تضمین‌شده، زندگی را از مجاری تعیین‌شده منحرف می‌سازد. تعدد انتخابهای متعددی را فراروی شخص قرار می‌دهد و فرد را با چندگانگی انتخاب روبرو می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۷).

رایزمن سه مرحله را در تحول جامعه‌ی انسانی تشخیص می‌دهد که دومین مرحله‌ی آن جامعه فردگرایی است. در این مرحله فرهنگ جامعه، به ساختن انسان‌هایی گرایش دارد که از درون هدایت می‌شوند. گذار از مرحله‌ی سنتی

به این مرحله، منوط به جهش و یا انقلابی است که به قول رایزن چند قرن طول می‌کشد و عصر روشنگری و جنبش اصلاح مذهب، انقلاب صنعتی و نیز انقلاب‌های سیاسی قرن هجدهم، نوزدهم و بیستم را در بر می‌گیرد (کازنو، ۱۳۶۴: ۱۶-۲۵). از دیدگاه رایزن، فردگرایی دورانی است که در آن با کاهش اهمیت سنت‌ها در هستی اجتماعی مواجه می‌شویم، این کاهش موجب می‌شود که همگنی در رفتار و عمل انسانی کاستی یابد، به این دلیل که همه از الگوهای یکسان در حیات اجتماعی پیروی نمی‌کنند. در این شرایط، تاریخ شاهد پیدایی و سپس تکثر انسان‌هایی خاص است که وی "درون‌راهر" می‌خواند؛ دورانی است مساعد برای تبلور فردگرایی، پیدایی دکارت‌گرایان و مکتب اصالت وجود. در این دوره انسان بار مسئولیت و عمل خود را به دوش می‌گیرد. رایزن این دوران را دوران التهاب، هراس و سرزنش‌های بی‌پایان نیز می‌داند (رازقی، ۱۳۸۵: ۶۷).

آلکسی دو توکویل، رشد خودخواهی‌های فردی، پشت کردن به منافع عمومی و فضیلت‌های اجتماعی و زوال اخلاق اجتماعی را از جنبه‌های منفی فردگرایی می‌داند. هگل، فرد جوامع فردگرا را همچون درختی بی‌ریشه می‌داند که جامعه را صرفاً ظرفی برای تأمین نیازهای خود می‌بیند. روابط انسان‌ها در چنین جوامعی، صرفاً تجاری است و هیچ علاقه یا هویت مشترکی یک عضو را با دیگر اعضای جامعه پیوند نمی‌دهد و نتیجه‌ی آن، انزوا و محصور شدن فرد در خودپرستی است. به نظر فردیناند تونیس، روابط در جوامع مدرن تنها براساس روابط خشک عقلانی و سود تنظیم می‌شود و این فرایند، فرد را در یک تنهایی ترسناک و خلأ عاطفی و بحران روحی رها می‌کند. دورکیم نیز به گسیختگی، زوال وجدان جمعی و نابودی همبستگی‌های سنتی اشاره می‌کند و بسیاری از آسیب‌های موجود، از جمله خودکشی را پیامد افراط در فردگرایی می‌داند (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۵۴ و ۸۳).

رضایت از زندگی

از نظر اینگلهارت، رضایت از زندگی در بین شاخص‌های مفهوم کیفیت زندگی، از مهمترین آن‌های به شمار می‌رود. رضایت از زندگی بیان‌کننده‌ی نگرش فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند؛ گرایش است که پیامدهای سیاسی خود را دارد و اهمیت آن را در چهارچوب فرهنگ مدنی مورد توجه قرار می‌دهد. فرهنگ مدنی شامل مجموعه‌ی شاخص‌های رضایت از زندگی، اعتماد به یکدیگر، رضایت سیاسی و احساس خوشبختی است. او معتقد است نهادهای دموکراتیک و سطح توسعه‌ی اقتصادی با شاخص‌های فرهنگ مدنی در ارتباط است. کشورهایی که در سطوح بالاتری از توسعه‌ی اقتصادی قرار دارند، نمرات بالاتری را در شاخص‌های فرهنگ مدنی به دست می‌آورند. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود همه به همراه هم هستند، آنها نشانگان نگرش‌های مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴). رضایت از زندگی، بیانی کلی از احساسات و نگرش در مورد زندگی فرد در یک دامنه‌ی مثبت تا منفی است. رضایت از زندگی به مقایسه‌ی شرایط زندگی شخصی به آن معیاری که از نظر او مناسب و استاندارد باشد وابسته است (داینر، ۱۹۸۴).

نیازهای انسانی به ۵ دسته (به شرح نظریه‌ی سلسله مراتب نیازهای مازلو) براساس زیر تقسیم می‌شوند:

۱. نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی

۲. نیاز به امنیت و اطمینان

۳. نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران

۴. نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام

۵. نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن

مازلو در نظریه‌ی سلسله مراتب نیازها، مفهوم «ارضای نیاز» را مترادف با «رضایت» می‌داند. ارضای نیاز شامل حالتهای مانند نیرومندی، چالاکی، تأمین نیاز و رفع نیاز لذت و پاداش است. پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح، اهمیت پیدا می‌کنند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند یافت تا به پایین‌ترین سلسله‌مراتب برسیم (مندوزا، ۱۹۹۵: ۱۵۶).

پیشینه‌ی تحقیق

در ایران تحقیقات تجربی کمی با استفاده از متغیرهای جامعه‌شناختی در مورد محیط زیست انجام شده است. در مورد متغیر آگاهی زیست‌محیطی چند تحقیق در ایران صورت گرفته است؛ اما در مورد متغیرهای رضایت از زندگی و فردگرایی و رابطه‌ی آن با رفتارهای زیست‌محیطی تحقیقی انجام نگرفته است.

صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "مطالعه‌ی تجربی آگاهی و رفتار زیست‌محیطی" که بین ۳۸۵ نفر از اعضای بالای ۱۸ سال ساکن شهرستان سنندج انجام شد، به این نتیجه رسیدند که بین محل سکونت، وضعیت تأهل، گروه‌های سنی و آگاهی زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ای وجود دارد و بین جنسیت و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین بین سطح تحصیلات و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه دانش زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی" رابطه‌ی بین دانش زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی را بررسی کردند. نتیجه‌ی این تحقیق نشان داد که رابطه‌ی معناداری بین دانش زیست‌محیطی (چه دانش از نوع نظام‌مند و چه از نوع رفتاری) و رفتار زیست‌محیطی وجود ندارد.

کایزر و همکاران (۱۹۹۰) در تحقیقی پژوهشی را با عنوان "نگرش محیطی و رفتار زیست‌محیطی" انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که کسانی که آگاهی بیشتری از محیط‌زیست دارند، رفتارهای مسؤولانه‌تری را هم در قبال محیط زیست انجام می‌دهند.

آربانت و لینگ (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "مقایسه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی آمریکاییان و فرانسویان، دانش و نگرش" به این نتیجه رسیدند که دانش زیست‌محیطی ممکن است به عنوان یک متغیر واسطه بین نگرش و رفتار عمل کند.

مولینا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان "دانش زیست‌محیطی و دیگر عوامل مؤثر بر رفتار طرفدار محیط‌زیست: مقایسه‌ی دانشجویان دانشگاه کشورهای در حال توسعه و پیشرفته" مطالعه‌ای را در میان دانشجویان دانشگاه‌هایی از کشورهای با سطوح مختلف اقتصادی (ایالات متحده آمریکا، اسپانیا، مکزیک و برزیل) انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که منابع رسمی و غیررسمی آموزش و پرورش، جنس، انگیزه‌ها و نگرش‌ها بر رفتار طرفدار محیط‌زیست دانشجویان تأثیر دارد.

دونو و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "ارتباط بین فعالیت‌های زیست‌محیطی، رفتار طرفدار محیط زیست و هویت اجتماعی" ۱۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های استرالیا را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین هویت اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی وجود دارد. افرادی که دارای یک هویت اجتماعی قوی هستند، در قبال محیط‌زیست رفتارهای بهتری دارند.

چارچوب نظری

پیامدهای رشد فردگرایی در افراد مانند خودمحوری و منفعت‌طلبی، سبب می‌گردد که افراد در مواجهه با طبیعت و محیط زیست خود با آنها همچون کالایی برای استفاده و سود شخصی برخورد کنند. بدین ترتیب به راحتی طبیعت تبدیل می‌شود به برده‌ای که باید در خدمت سرور خود، (انسان) باشد آن هم فقط برای منافع و مصلحت‌های انسانی‌ای که بر اساس کمیات محاسبه می‌شود (بهرام‌پور، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳). شوماخر معتقد است برای حل بحرانهای گوناگون معاصر از جمله بحران محیط زیست باید در تعریف انسان و رابطه‌ی او با طبیعت و نیروی برتر (خدا) تجدید نظر کنیم و ریشه‌ی این مشکلات را در انسان‌محوری مدرن و نگرش کمی صرف به طبیعت و جدایی انسان و طبیعت بدانیم (به نقل از بهرام‌پور، ۱۳۹۰: ۷۰)؛ بنابراین افزایش فردگرایی در افراد بخصوص فردگرایی منفی، می‌تواند همسو با رفتارهای زیست‌محیطی منفی باشد.

از آنجا که رضایت از زندگی ملازم با حمایت از نظم اجتماعی و اعتماد افراد به یکدیگر است، بنابراین محیط زیست به عنوان مکانی برای زندگی افراد، نیازمند همین اعتماد برای انجام رفتارهای مسؤولانه در قبال آن است. انتظار می‌رود که با افزایش سطح رضایت از زندگی، رفتارهای زیست‌محیطی هم به نحو بهتر و مسؤولانه‌تری انجام شود. رفتارهای زیست‌محیطی مانند دیگر متغیرهای جامعه‌شناختی تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد؛ اما بررسی همزمان متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی امکان‌پذیر نیست؛ به همین جهت ضروری است در پژوهش‌های مختلف محققان به بررسی تأثیر یک یا چند متغیر بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد بپردازند. لذا این پژوهش به بررسی تأثیر جنسیت، سن، آگاهی زیست‌محیطی، میزان فردگرایی و میزان رضایت از زندگی افراد بر رفتارهای زیست‌محیطی آنان می‌پردازد.

فرضیات تحقیق

با توجه به پیشینه‌های نظری و تجربی در این تحقیق، این فرضیات استخراج شده است:

۱. بین تحصیلات و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۲. بین زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین سن و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۴. بین آگاهی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۵. بین فردگرایی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۶. بین رضایت از زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق در سال ۱۳۹۲ به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در شهر یزد اجرا گردید. جامعه‌ی آماری این

پژوهش را شهروندان ۱۶ سال به بالای شهر یزد تشکیل می‌دادند. مطابق با سرشماری سراسری سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر یزد معادل با ۵۸۲۶۸۲ نفر است که از این تعداد ۴۲۶۷۲۳ نفر آنان بالای ۱۶ سال قرار دارند. حجم نمونه‌ی انتخاب شده ۳۲۳ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای اجرا شد.

برای سنجش متغیر رفتارهای زیست‌محیطی از پرسشنامه صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) استفاده شد که دارای ۳ بخش مصرف انرژی، استفاده از وسایل استاندارد محیط زیست و استفاده دوباره از وسایل قابل استفاده بود که با طیف لیکرت سنجیده شد. به این پرسشنامه، بخش رفتارهای حامی محیط زیست هم اضافه شد. در مجموع سؤالات این پرسشنامه دارای ۲۱ سؤال شد که پایایی آن در مجموع با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. برای سنجش متغیر آگاهی زیست‌محیطی از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شد که دارای ۷ گویه بود. مؤلفه‌های آن آگاهی از عوامل نابودکننده‌ی حیوانات و گیاهان، عوامل نابود کننده‌ی آب و هوا و خاک، منابع تأمین آب، برق و گاز، سرانجام جمع‌آوری زباله‌ها، فایده‌ی مناطق حفاظت‌شده، زباله‌های دیر تجزیه‌شونده و همچنین مطالعه‌ی کتب، نشریه و مطلب در مورد محیط زیست بود که با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجیده شد. اعتبار آن از نوع صوری بود و با مراجعه به متخصصان به دست آمد. ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ به دست آمد. برای سنجش رضایت از زندگی، از مقیاس داینر و همکاران (۱۹۸۵) استفاده شد. ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ به دست آمد. برای سنجش میزان فردگرایی از پرسشنامه‌ی معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۱ سؤال بود و با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، فردگرایی منفی را می‌سنجید. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۲ به دست آمد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آزمون تی مستقل برای تفاوت میانگین دو گروه، آزمون آنوا برای تفاوت میانگین چند گروه، آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش همبستگی متغیرهای فاصله‌ای و رگرسیون چند متغیره برای سنجش میزان تأثیر متغیرهای متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در مورد مشخصات فردی پاسخگویان بیانگر آن است که از مجموع ۳۲۳ پاسخگو، ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد آنها زن است. ۶۱/۶ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال، ۲۶/۳ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، ۷/۴ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۳/۴ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۱/۲ درصد ۵۵ سال به بالا هستند. ۶۵ درصد پاسخگویان بیکار و ۳۵ درصد شاغل می‌باشند. علاوه بر آن، سطح تحصیلات ۲/۵ درصد از پاسخگویان ابتدایی، ۳/۱ درصد راهنمایی، ۲۱/۷ درصد دبیرستان و دیپلم و ۷۲/۸ درصد دانشگاهی است. جدول زیر توزیع فراوانی متغیرهای رفتار زیست‌محیطی، آگاهی زیست‌محیطی و رضایت از زندگی را (براساس مقیاس ۱ تا ۵) نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: وضعیت رفتار زیست‌محیطی، آگاهی زیست‌محیطی و رضایت از زندگی پاسخگویان

متغیرها		رفتار زیست محیطی	آگاهی زیست محیطی	رضایت از زندگی
خیلی زیاد	فراوانی	۸	۱۸	۳۷

۱۱/۵	۵/۶	۲/۵	درصد	
۱۱/۵	۵/۶	۲/۵	فراوانی تجمعی	
۱۳۳	۸۵	۱۲۷	فراوانی	زیاد
۴۱/۲	۲۶/۳	۳۹/۳	درصد	
۵۲/۷	۳۱/۹	۴۱/۸	فراوانی تجمعی	
۱۲۴	۱۶۸	۱۶۹	فراوانی	
۳۸/۴	۵۲	۵۲/۳	درصد	متوسط
۹۱/۱	۸۳/۹	۹۱/۴	فراوانی تجمعی	
۲۹	۵۲	۱۹	فراوانی	کم
۸/۹	۱۶/۱	۵/۹	درصد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	فراوانی تجمعی	

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود ۵۲/۳ درصد از افراد مورد مطالعه دارای رفتارهای مسؤولانه نسبت به محیط زیست هستند. تنها ۵/۹ درصد افراد نسبت به محیط زیست رفتار مسؤولانه‌ای ندارند. درصد فراوانی تجمعی نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم افراد بالاتر از حد متوسط از محیط زیست محافظت می‌کنند و مابقی کمتر از این حد هستند. میانگین رفتارهای زیست‌محیطی پاسخگویان ۲/۳۸ از ۵ است. در واقع رفتارهای زیست‌محیطی بیشتر افراد مورد مطالعه نزدیک به متوسط است. از بین چهار مؤلفه‌ی رفتارهای زیست‌محیطی، رفتارهای حامی محیط‌زیست با میانگین ۳/۲۸ از ۵ بالاترین میانگین و استفاده از وسایل استاندارد زیست‌محیطی با میانگین ۱/۲۲ از ۵ دارای کمترین میانگین هستند. بیشترین توزیع آگاهی زیست‌محیطی پاسخگویان مربوط به سطح متوسط (۵۲ درصد) است و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی زیاد (۵/۶ درصد) است. درصد فراوانی تجمعی بیانگر آن است که تقریباً سه چهارم از پاسخگویان دارای آگاهی زیست‌محیطی متوسط و بیشتر هستند. مابقی کمتر از این حد قرار دارند. میانگین آگاهی زیست‌محیطی پاسخگویان نزدیک به متوسط یعنی ۲/۲۱ از ۵ است؛ بنابراین بیشتر پاسخگویان دارای آگاهی زیست‌محیطی متوسط هستند. همچنین ۴۱/۲ درصد افراد دارای رضایت از زندگی زیاد هستند. در حالی که تنها ۸/۹ درصد از افراد دارای رضایت از زندگی پایین هستند. درصد فراوانی تجمعی نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم از افراد مورد مطالعه دارای رضایت از زندگی متوسط و بالاتر هستند. میانگین رضایت از زندگی پاسخگویان ۲/۵۵ از ۵ است که نزدیک به سطح متوسط است؛ بنابراین بیشتر پاسخگویان دارای رضایت از زندگی متوسط هستند. فردگرایی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است که در زیر جدول توزیع فراوانی این متغیر را بر حسب نمره‌ی مقیاسی ۱ تا ۳ می‌بینیم:

جدول شماره ۲: وضعیت فردگرایی پاسخگویان

فردگرایی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
بالا	۱۲	۳/۷	۳/۷
متوسط	۲۸۰	۸۶/۷	۹۰/۴
پایین	۳۱	۹/۶	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۰

همانطور که در جدول شماره ۲، ملاحظه می‌شود، بیشترین توزیع فردگرایی پاسخگویان مربوط به سطح متوسط (۸۶/۷ درصد) است و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی بالا (۳/۷ درصد) است. درصد فراوانی تجمعی بیانگر آن است که تقریباً بیشتر پاسخگویان فردگرایی متوسط هستند. میانگین فردگرایی پاسخگویان بالاتر از متوسط یعنی ۱/۹۴ از ۳ است؛ بنابراین بیشتر پاسخگویان دارای فردگرایی متوسط هستند.

برای آزمون فرضیاتی که در این تحقیق طرح شدند، آزمون آنوا برای تفاوت میانگین چند گروه (تحصیلات)، آزمون تی مستقل برای تفاوت میانگین دو گروه (جنسیت)، آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش همبستگی متغیرهای فاصله‌ای (فردگرایی، رضایت از زندگی و آگاهی زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی) و رگرسیون چند متغیره برای سنجش میزان تأثیر متغیرهای متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل تحقیق به شرح زیر است:

جدول شماره ۳: آزمون مقایسه‌ی میانگین (F) در رفتارهای زیست‌محیطی بر حسب تحصیلات

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین مجزورات بین گروه	میانگین مجزورات درون گروه	F	Sig
تحصیلات	ابتدایی	۷۳/۸۸	۳۴/۴۵۴	۱۳۱/۸۸۹	۰/۲۶۱	۰/۸۵۳
	راهنمایی	۷۱/۳۰				
	دبیرستان و دیپلم	۷۳/۵۲				
	دانشگاهی	۷۲/۳۵				

جدول بالا آزمون ANOVA بین رفتارهای زیست‌محیطی و تحصیلات را نشان می‌دهد. چون سطح معناداری ما بیشتر از ۰/۰۵ است، فرضیه‌ی ما رد می‌شود؛ بنابراین بین تحصیلات و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به منظور سنجش تفاوت میانگین بین زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی از آزمون T مستقل استفاده شده است.

جدول شماره ۴: آزمون T مستقل در متغیر رفتارهای زیست‌محیطی بین زن و مرد

گروه‌ها	تعداد	میانگین	مقدار آزمون T	معناداری Sig
زن	۱۵۵	۷۴/۶۸	-۳/۱۶۰	۰/۰۰۲
مرد	۱۶۸	۷۰/۷۰		

بنابر نتایج به دست آمده از جدول شماره ۴ چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است، فرضیه ما با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین مردان و زنان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد. براساس میانگین به دست آمده نتیجه می‌گیریم که زنان رفتارهای زیست‌محیطی بهتری دارند.

رابطه‌ی همبستگی بین متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون آماری مناسب سنجش شد. جدول زیر رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل (سن، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی و رضایت از زندگی) و متغیر وابسته (رفتارهای زیست‌محیطی) را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه متغیرهای مستقل و وابسته دارای سطح سنجش فاصله‌ای هستند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول شماره ۵: آزمون همبستگی پیرسون بین سن، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی و رضایت از زندگی با رفتارهای زیست-

محیطی

آزمون پیرسون			
شماره	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری (۲دامنه)
۱	سن	۰/۱۶۷	۰/۰۰۳
۲	آگاهی زیست‌محیطی	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰
۳	فردگرایی	-۰/۲۶۸	۰/۰۰۰
۴	رضایت از زندگی	۰/۳۲۷	۰/۰۰۰

همانگونه که جدول بالا نشان می‌دهد، بین سن و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج چون سطح معناداری زیر ۰/۰۱ است، فرضیه‌ی بالا با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. ضریب همبستگی

پیرسون ۰/۱۶۷، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی ضعیف و مثبت بین این دو متغیر است؛ بنابراین هر چه سن افراد بالاتر رود، رفتارهای زیست‌محیطی بهتری را از خود نشان می‌دهند. بین آگاهی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی همبستگی معنادار وجود دارد. چون سطح معناداری زیر ۰/۰۰۱ است، فرضیه بالا به ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون ۰/۳۳۷ است که این امر بیانگر رابطه‌ی مثبت و متوسط بین این دو متغیر است. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه آگاهی افراد زیست‌محیطی بالاتر رود، رفتارهای زیست‌محیطی آنها هم بهتر می‌شود. متغیر فردگرایی رابطه‌ی ضعیف و منفی با رفتارهای زیست‌محیطی دارد. همبستگی این دو متغیر با سطح معناداری زیر ۰/۰۰۱ و سطح اطمینان ۹۹ درصد و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۶۸- تأیید می‌شود. هرچه فردگرایی پایین‌تر بیاید و فرد اجتماعی‌تر باشد، رفتارهای زیست‌محیطی بهتری را از خود بروز می‌دهد. همبستگی مثبت و معناداری بین رضایت از زندگی و رفتارهای زیست‌محیطی وجود دارد. این همبستگی با ضریب خطای زیر ۰/۰۰۱ و سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون ۰/۳۲۷ است که این امر نشانگر رابطه‌ی مثبت و متوسط بین این دو متغیر است؛ بنابراین هر چه سطح رضایت از زندگی افراد بالاتر رود، رفتارهای زیست‌محیطی آنها هم به تبع آن بهتر می‌شود.

رگرسیون چند متغیره

در این بخش، از رگرسیون چند متغیره به منظور تبیین مجموعه‌ی عوامل استفاده شده است. رگرسیون چند متغیره روشی آماری است که در آن بررسی می‌شود که متغیرهای مستقل چقدر از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و همچنین اثر هریک از آنها به صورت جداگانه چقدر است. برای رسیدن به چنین هدفی از روش رگرسیونی گام به گام استفاده گردیده است. در انجام رگرسیون چند متغیره در این تحقیق، در مجموع ۵ متغیر جنسیت، سن، آگاهی زیست‌محیطی، فردگرایی و همچنین رضایت از زندگی وارد معادله گردیدند. ۵ متغیر وارد شده در معادله، در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی ماندند.

نتایج مربوطه به رگرسیون عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی با روش گام به گام در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۶: تحلیل رگرسیون چند متغیره برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر رفتارهای زیست‌محیطی

متغیر	ضرایب خام			sig	t	ضرایب استاندارد
	B	Std. Error	Beta			
مقدار ثابت	۵۹/۹۷۶	۵/۱۴۷		۰/۰۰۰	۱۱/۶۵۰	
آگاهی زیست‌محیطی	۰/۵۸۷	۰/۰۸۷	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	۶/۷۷۳	
رضایت از زندگی	۰/۶۲۴	۰/۱۴۳	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۴/۳۶۲	
فردگرایی	-۰/۴۷۴	۰/۱۱۳	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	-۴/۱۸۳	
سن	۰/۱۸۰	۰/۰۶۳	۰/۱۴۰	۰/۰۰۴	۲/۸۷۵	
جنسیت	۰/۰۹۰	۱/۱۴۶	۰/۱۳۵	۰/۰۰۷	۲/۶۹۶	
	$R^2 = ۰/۲۸۳$					$F = ۲۴/۹۷۸$
						$P = ۰/۰۰۰$

بر اساس جدول بالا ۵ متغیر تأثیرگذار در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند، به طوری که ضریب تعیین تعدیل شده آن برابر ۲۸ درصد است. همچنین شکل رگرسیون تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F ، برای تعیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر رفتارهای زیست‌محیطی برابر با ۲۴/۹۷۸ با سطح

معناداری $P < 0/001$ است.

در مجموع براساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به بتای استاندارد شده، اثر آگاهی زیست محیطی ۳۲ درصد، رضایت از زندگی ۲۴ درصد، فردگرایی ۲۰ درصد، سن ۱۴ درصد و جنسیت ۱۳ درصد می باشد.

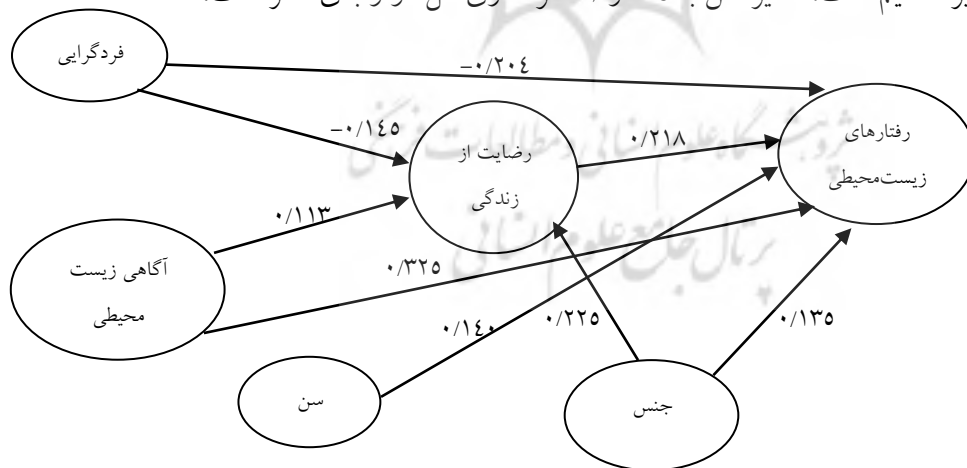
تحلیل مسیر

به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است. در جدول زیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: محاسبه‌ی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر رفتارهای زیست محیطی

نام متغیر	ضرایب اثر		کل
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	
فردگرایی	-۰/۲۰۴	-۰/۰۳۱۶	-۰/۵۲
آگاهی زیست محیطی	۰/۳۲۵	۰/۰۲۴	۰/۳۴
رضایت از زندگی	۰/۲۱۸	-	۰/۲۱۸
جنسیت	۰/۱۳۵	۰/۰۴۹	۰/۱۸۴
سن	۰/۱۴۰	-	۰/۱۴۰

نتایج جدول شماره ۷ نشان می دهد که متغیر فردگرایی با ۵۲ درصد اثرگذاری کل، دارای بیشترین تأثیر منفی بر رفتارهای زیست محیطی است. به طوری که این متغیر دارای ۲۰ درصد اثر مستقیم و ۳۲ درصد اثر غیر مستقیم است. متغیر آگاهی زیست محیطی با ۳۴ درصد اثرگذاری کل، رتبه دوم را دارد. به طوری که این متغیر دارای ۳۲ درصد اثر مستقیم و ۲ درصد اثر غیرمستقیم به صورت مثبت است. همچنین رضایت از زندگی با ۲۱ درصد اثرگذاری کل رتبه سوم را دارد. متغیر جنسیت با ۱۸ درصد رتبه‌ی چهارم را دارد. این متغیر دارای ۱۳ درصد اثر مستقیم و ۵ درصد اثر غیرمستقیم است. متغیر سن با ۱۴ درصد اثرگذاری کل در رتبه‌ی آخر است.



بحث و نتیجه گیری

یکی از مشکلات مهم در دنیای امروز تخریب محیط زیست و اثرات آن بر روی زندگی مردم است. اعتقاد بر این است که برای اینکه این مشکلات و تهدیدها به حداقل برسد، باید انسانها نسبت به محیط زیست رفتار مسؤولانه تری داشته باشند. تحقیق حاضر به منظور بررسی عوامل اجتماعی (فردگرایی، رضایت از زندگی و آگاهی زیست محیطی) و متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و تحصیلات) مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی شهروندان شهر یزد انجام گرفته

است. یافته‌های تحقیق مبتنی بر رابطه بین آگاهی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی همسو با نتایج تحقیقات صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰)، صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۰)، استینکو (۱۹۷۹)، هاینز و همکاران (۱۹۷۶)، اسکان و هولزر (۱۹۹۰)، آریونت و همکاران (۱۹۷۶)، بکر (۱۹۷۸) و کاتزر و جانسون (به نقل از گراب ۱۹۹۵: ۳)، آربانت و لینک (۲۰۰۷) و همچنین کایزر و همکاران (۱۹۹۰) بود. اما این یافته با نتایج پژوهش صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۰)، هماهنگی نداشت. از سوی دیگر رابطه‌ی منفی فردگرایی با رفتارهای زیست‌محیطی با پژوهش دونو و همکاران (۲۰۱۰) هماهنگ بود. زندگی در جامعه‌ی شهری انسانها را به سمت فردگرایی مفرط می‌کشد و همین اندیشه‌ها و توجه مفرط به موفقیتها و موقعیتهای فردی باعث درگیری بیش از حد انسان در زندگی روزمره شخصی شده، باعث کاهش شدید روابط اجتماعی می‌شود (حقیقتیان و امیدی، ۱۳۹۱). از این رو داشتن یک هویت اجتماعی و روابط قوی در جامعه، باعث ایجاد حس مسؤولیت در افراد و بهبود رفتارهای زیست‌محیطی می‌شود. رضایت از زندگی از دیگر متغیرهایی بود که رابطه‌اش با رفتارهای زیست‌محیطی معنادار بود. رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی میکند و در واقع همان احساس خشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه‌چندان کوتاه را سپری می‌نماید. فلسفه‌ای است که شخص آگاهانه برای زندگی خویش انتخاب کرده و ناخودآگاه آن را در ذهن دارد (خوارزمی، ۱۳۸۶: ۸)؛ بنابراین همین نگرش مثبت در افراد باعث می‌شود که نسبت به دنیای اطراف خود حساس باشند و مسائل زیست‌محیطی که یکی از مهمترین مسائل اطرافشان هست، برایشان در اولویت باشد. متغیر تحصیلات، متغیری بود که رابطه‌اش با رفتارهای زیست‌محیطی معنادار نبود که این نتیجه با یافته‌های پژوهش صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. متغیر زمینه‌ای دیگر سن بود که با رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معنادار داشت. با افزایش سن، رفتارهای زیست‌محیطی هم بهتر می‌شود که این یافته با پژوهش صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) همسو بود. آخرین متغیر زمینه‌ای جنسیت بود. بین زنان و مردان در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود داشت که این یافته با نتایج تحقیق مولینا و همکاران (۲۰۱۳) همسو بود؛ اما با نتایج پژوهش صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) مغایر بود.

بر این اساس برای بهبود رفتارهای زیست‌محیطی، برای حفظ منابع طبیعی و محیط زیست می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرد:

الف- افزایش آگاهی زیست‌محیطی: یکی از مهمترین ابزارهای که می‌تواند در ارتقای آگاهی زیست‌محیطی افراد جامعه بسیار مثر و ثمر واقع شود، رسانه‌های جمعی است. این رسانه‌ها باید به ساخت برنامه‌هایی در جهت افزایش سطح آگاهی زیست‌محیطی مردم پردازند. همچنین برگزاری کلاسهای آموزشی، گنجاندن دروسی مرتبط با محیط زیست در برنامه درسی دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و همچنین دانشجویان هم می‌تواند از عوامل افزایش آگاهی زیست‌محیطی در افراد جامعه باشد. همچنین همایش‌ها و کنفرانس‌هایی هم می‌تواند در جهت ارتقای این امر برگزار شود.

ب- تقویت روحیه جمعی: کاهش فردگرایی و افزایش روحیه مشارکت، دیگر امریست که می‌تواند با فرهنگ‌سازی و تلاش در جهت آن عملی شود. باید در افراد جامعه مشارکت و کار جمعی و همچنین حس مسؤولیت اجتماعی تقویت شود که این امر باعث می‌شود افراد به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، دارای حس تعلق شوند و رفتارهای زیست‌محیطی بهتری داشته باشند.

ج- بهبود رضایت از زندگی: تدابیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از سوی مسئولان در کاهش محرومیت افراد می‌تواند یک عامل مهم در جهت رفتارهای زیست‌محیطی بهتر باشد زیرا همین رضایت به حوزه‌های دیگر از جمله محیط زیست هم تسری پیدا می‌کند و باعث انجام دادن رفتارهای زیست‌محیطی بهتری از افراد جامعه می‌شود.

نگهداری از محیط‌زیست وظیفه تمام افراد جامعه و مسئولان مملکت است؛ بنابراین نیازمند یک مشارکت جمعی و کنش متقابل در مردم و مسئولان جامعه است. لازم است که اقشار مختلف مردم این مسأله را درک کرده و جزو نگرش خود سازند و آن را در محیط طبیعی به کار بندند.



منابع

- آریلاستر، آتوننی. (۱۳۷۷). *لیبرالیسم غرب؛ ظهور و سقوط*، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: مرکز.
- اسدی، سید محمد، اعتصام، فرناز. (۱۳۸۵). *رابطه‌ی فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی دانشجویان ایرانی و آمریکایی*، *تازه‌های علوم شناختی*، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۷-۲۲.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بارو، کریستوفر. (۱۳۸۰). *اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی*، ترجمه‌ی مهرداد اندرودی، تهران: کنگره.
- بری، جان. (۱۳۸۱). *محیط زیست و نظریه‌ی اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن پویان، نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان محیط زیست.
- بهرامپور، مرضیه. (۱۳۹۰). *دین، طبیعت و بحران محیط زیست*، اصفهان: انتشارات نشر مانا.
- بوتکین، دانیل، ادوارد، کلر. (۱۳۸۲). *شناخت محیط زیست زمین سیاره‌ی زنده*، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب زاده، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- پری زنگنه، عبدالحسین، لاکان، کریس. (۱۳۸۹). *آموزش زیست محیطی و درونمای وضعیت محیط زیست در ایران همایش مهندسی محیط زیست*، دانشگاه تهران.
- پناهنده، محمد، عابدین زاده، نیلوفر. (۱۳۸۹). *ارزیابی اثرات زیست محیطی کارخانه کمپوست یزد، فصلنامه‌ی علوم و تکنولوژی محیط زیست*، شماره‌ی ۴۶، صص ۸۷-۹۹.
- جوادی یگانه، محمدرضا، هاشمی، سید ضیا. (۱۳۸۷). *نگاهی جدید به مناقشه‌ی فردگرایی در جامعه‌شناسی، نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی ۳۳، صص ۱۶۱-۱۳۱.
- حقیقتیان، منصور، امید، مصطفی. (۱۳۹۲). *روابط اجتماعی در شهر و روستا، مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره‌ی ۷، صص ۷۶-۵۳.
- خوارزمی، شهیندخت. (۱۳۸۶). *مهارت‌های زندگی: کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی. همشهری آنلاین*.
[Http://www.hamshahri online.ir/ categories](http://www.hamshahri online.ir/ categories).
- ذاکریان، ملیحه، موسوی، میرنجف، باقری کشکولی، علی. (۱۳۹۲). *مسائل زیست‌محیطی و توسعه‌ی پایدار شهرستانهای استان یزد. فصلنامه‌ی بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، شماره‌ی ۳۹، صص ۲۹۲-۳۱۵.
- ذکات، سعیدم. (۱۳۷۷). *وضعیت محیط زیست در ایران، مترجم زهرا شمس تهرانی، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی و بودجه*، شماره‌ی ۳۲، صص ۱۳۵-۱۶۷.
- رزاقی، افشین. (۱۳۸۵). *نظریه‌های ارتباطات اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: آسیم.
- شاهنوشی، مجتبی، عبداللهی، عظیمه سادات. (۱۳۸۶). *تحلیلی بر فرهنگ زیست محیطی مردم اصفهان و برخی عوامل موثر بر آن، مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۵-۳۴.
- صالحی، صادق و امام قلی، لقمان. (۱۳۹۱). *بررسی تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه موردی مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)*، *مجله‌ی مسائل اجتماعی ایران*، دانشگاه تربیت معلم، شماره‌ی ۱، صص ۱۲۱-۱۴۷.
- _____ . (۱۳۹۱). *سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان)*، *فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره‌ی ۲۸، صص ۹۱-۱۲۰.
- صالحی، صادق و کریم زاده، سارا. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی، فصلنامه‌ی*

- انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۴، صص ۱۵۹-۱۷۳.
- عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۸۳). رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش آموزان متوسطه‌ی شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۷، ۵، ۴ مشهد، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی فردوسی مشهد، شماره ۳، صص ۸۳-۱۱۶.
- فریتوف، کاپرا. (۱۳۸۶). پیوندهای پنهان: تلفیق گستره‌های زیست‌شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری، ترجمه‌ی محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.
- کازنو، ژان. (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون، ترجمه‌ی علی اسدی، تهران: امیرکبیر.
- کامونر، باری. (۱۳۸۲). انسان و محیط زیست، ترجمه‌ی بهزاد دهزاد، تهران: موج سبز.
- کریم‌زادگان، حسن. (۱۳۸۲). مبانی اقتصاد محیط زیست، تهران: نقش مهر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.
- مثنوی، محمد رضا. (۱۳۹۰). ضرورت بازنگری رابطه شهر و محیط زیست، مجله‌ی منظر، شماره ۱۶، صص ۵۹-۶۳.
- معیدفر، سعید، صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۰.
- موسوی، یعقوب، پاک خصال، اعظم. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهروندی زنان شهر تهران، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست، شماره ۱، صص ۸۲-۶۱.
- نواح، عبدالرضا، فروتن‌کیا، شهروز، پورتر کارونی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۱، صص ۷۷-۹۸.
- وثوقی، منصور، میرزایی، حسین. (۱۳۸۷). فردگرایی، تاملی در ابعاد و شاخص‌ها، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۳۴، صص ۱۴۲-۱۱۷.
- Arbuthnot, J., Lingg, S. (2007), A Comparison of French and American Environmental Behaviors, Knowledge, and Attitudes. *International Journal of Psychology*, Vol. 10, Issue 4
- Ayodeji, I. (2010). Exploring secondary school students understanding and practices of waste management in Ogun State Nigeria. *International Journal of Environmental & Science Education* Vol 5, No 2, 201-215.
- Beck, U. and Beck-Gernsheim, E. (1995). *The Normal Chaos of Love*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (1994). 'Replies and critiques', in Beck, U., Giddens, A. and Lash, S. *Reflexive Modernisation: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order*. Cambridge: Polity Press.
- Benton, T., Redclife, M. (1994). *Social Theory And The Global Environment*. First published in 1994 by Routledge 11 New fetter Lane, London EC4P 4EE.
- Budak, D. (2005). Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey. *Journal of Applied Sciences*. Pp.1224-1227.
- Buttel, F. H. (1979). Age and Environmental Concern: A Multivariate Analysis. *Youth and Society*, 10 (3): 237-255.
- Diener, E. (1984). Subjective well-being. *Psychological Bulletin*, Vol. 95, 542- 575.
- Diener, E., Emmons, R., Larsen, R., Griffin, S. (1985), The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, Vol. 49, pp. 71-750.
- Dono, J., Webb, J., Richardson, B. (2010), [The relationship between environmental activism, pro-environmental behaviour and social identity](#). *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 30, Pages 178-186.
- Dunlap, R. E., D. V. L. Kent, G. A. Mertig & R. E. Jones. (2000). Measuring Endorsement of the New Environmental Ecological Paradigm: A Revised NEP Scale. *Journal of Social Issues*, 56 (3):

425-442.

- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D. (1978). The New Environmental Paradigm: A proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. *Journal of Environmental Education*, 9:10-19.
- Fiallo, E. A. and S. k. Jacobson. (1994). Local Communities and Protected Areas: Attitudes of Rural Residents towards Conservation and Machailla National Park, Ecuador. *Environmental Conservation*, 22 (3): 241-249.
- Grafton, R., Quentin and Stephen Knowles. (2003). Social Capital and National Environmental Performance. Australian National University, Economics and Environment Network working Paper, EEN0206, <http://een.aau.edu.au/>.
- Grob, A. (1995), A Structural Model of Environmental Attitudes & Behavior. *The Journal of Environmental Psychology*, Vol. 15, pp.209-220.
- KAISER, G. F., Lfing, S. W., Fuhrer, U. (1999), Environmental Attitude Andecological Behaviour. *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 19, Pages 1-19.
- Khatoonabadi, S.A. 2004. An Analytical Review on Literature and Performance of Environmental NGOs. Tehran:Behnashr Press,26p. (IN Persian).
- Kollmuss, A., Agyeman, J. (2002). Mindin the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior?. *Journal of Environmental Education Research*, Vol. 8, No. 3.
- Mendoza ,M.G ,V.Napoli. (1995). System of society , mami-dadc community colley ,sixth edition.
- Molina, M. A., Fernández-Sáinz, A., Izagirre-Olaizola, J. (2013). Environmental knowledge and other variables affecting pro-environmental behaviour: comparison of university students from emerging and advanced countries. *Journal of Cleaner Production*, Vol. 61, Pages 130-138
- Mulyadi, J. (2010), Effect of environmental knowledge, local wisdom, locus of control and farming motivation on responsible environmental behavior of farmers in Soppeng regency of south Soluwesi. *International Journal of Academic Research*, Vol.3. No. 2.
- Nordland, A., & Garvill, J. (2002). Value Structures and behavior toward the environmental: The case of lake burder hn Turkey. *Journal Environment and Behavior*. 34: 363-377.
- Oxford Advanced American Dictionary for learners of English. (2011). UK: Oxford University Press.
- Quimbita & Pavel. (2005), Assessing On Environmental Attitude Development Model:Factor Influencing the Environmental Attitude of College Student.
- Salehi, S. (2008). A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours. UK: The University of Leeds.
- Salehi, S. (2010). People and the Environment: A study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran. LAP Lambert Academic Publishing.
- Schahn, J., and E. Holzer (1990). Studies of Individual Environmental Concern: The Role of Knowledge, Gender, and Background Variables. *Environment and Behavior*, 22 (6): 767-786.
- Stern, P. C., T. Dietz and L. Kalof. (1993). Value Orientations, Gender, and Environmental Concern. *Environment and Behavior*, 25 (3): 322-348.
- Thampson, S. C. & Barton, M.A. (1994). Ecocentric and anthropocentric attitudes. *Jornal of Environmental Psychology*.14:149-157.
- Triandis, H. C. (1998), Individualism and collectivism (Theorecal and Methodological Approach). Sage publication.
- Zekavat, S. M. (1977). The State of the Environment in Iran. *Journal of Developing Societies*. 13 (1),49- 72.